

## تبیین تاریخی توامندسازی فرهنگی اجتماعی جامعه امامیه در سیره امام عسکری علیه السلام

\* زهرا سلیمانی  
\*\* اصغر منظرالقائم  
\*\*\* مصطفی پیرمرادیان

### چکیده

توامندسازی، فرایند قدرت بخشیدن به افراد است که در منظومه بلوغ تمدنی جایگاه ویژه‌ای دارد. اقدامات امام عسکری علیه السلام در تحقق این فرایند در ساختار فردی، سازمانی و سَبک رهبری منجر به استحکام هویت شیعی، قدرت اندیشه، ایجاد احساس خودکارآمدی و مهارت افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها گردید. براین اساس، اقدامات، توجهات، تأکیدات و شیوه مبارزاتی آن حضرت، نقش مهمی را در استمرار و تقویت جامعه امامیه برای ورود به عصر غیبت فراهم نمود. هدف این مقاله آن است تا با تحلیل نظری داده‌های تاریخی، پیش‌نیازها و فرایند توامندسازی در حوزه دانش مدیریت منابع انسانی، تدبیر امام عسکری علیه السلام در توامندسازی شیعیان را به بحث گذارد. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و حدیثی به این سؤال پاسخ می‌دهد که امام عسکری علیه السلام چگونه جامعه امامیه را در شرایط بحرانی سیاسی و اجتماعی توامند ساخت تا از افتادن به پرتگاه سقوط مصون بماند؟

### واژگان کلیدی

امام عسکری علیه السلام، راهبرد، امامیه، جریان‌های فکری، توامندسازی.

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، و مدرس دروس معارف اسلامی. zahrasoleimany@yahoo.com  
\*\*. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. (نویسنده مسئول) montazer@ltr.ui.ac.ir  
\*\*\*. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. mostafapirmoradian@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳

### طرح مسئله

مهم‌ترین و حیاتی‌ترین دارایی هر نهاد، نیروی انسانی آن است و لازمه دستیابی به هدف‌های نهاد مدیریت مؤثر این منابع با ارزش است. جامعه امامیه مهم‌ترین محوری بود که فکر و اهتمام امام عسکری ع را به خود مشغول می‌داشت. آن حضرت در طول زمان انتقال از عصر حضور به عصر غیبت و در بحبوحه سرعت تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، در صدد توامندسازی جامعه امامیه بود. توامندسازی، تکنیکی مؤثر جهت ارتقای بهره‌برداری تشكیلات بوسیله بهره‌گیری از توان افراد است. این تکنیک ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای بهره‌برداری از سرچشمۀ توانایی انسانی که از آن استفاده کامل نمی‌شود، در اختیار می‌گذارد.<sup>۱</sup> در زمانه امام عسکری ع شدت تنگناها و فشارها به حدی بود که امکان ارتباط مستقیم با شیعیان بندرت برای آن حضرت فراهم بود.<sup>۲</sup> توامندسازی بهویژه در چنین محیطی که اعضای نهاد از تعاملات چهره‌به‌چهره محروم می‌باشند و مجبورند که به‌طور مستقل عمل نمایند، بسیار مهم است. توامندسازی، افراد را قادر می‌سازد تا در مواجهه با مشکلات و تهدیدها، از مقاومت و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشند. لذا می‌تواند به عنوان منبعی که از آسیب‌پذیری نیروی انسانی جلوگیری نماید و بذر امید را در شرایط بحرانی از جمله انهدام سرمایه‌های اجتماعی و مالی و از بین رفتن زندگی انسانی، در دل آنان بکارد، مفید واقع گردد. طی قرن‌های دوم و سوم، مسئله حیات جامعه امامیه پیچیدگی‌هایی یافته بود که ارائه راه حلی برای آن از سوی امامانی چون امام عسکری ع برای دوام این مکتب ضروری بود. اصلی‌ترین هدف آن حضرت در جامعه‌ای متلون و متکثر از جریان‌های فکری و فرهنگی – جریان‌هایی که گاه در قالب حکومت و گاه در لباس اهل علم و صاحبان اندیشه به مقابله با امامیه برخاسته بودند – تجهیز و آماده‌سازی منابع انسانی به عنوان محور نهاد برای مواجهه با تغییرات، از اهمیت ویژه برخوردار است و کلیه نهادها با هر نوع مأموریتی باید بیشترین سرمایه، وقت و برنامه را به پرورش انسان‌ها در ابعاد مختلف اختصاص دهند؛<sup>۳</sup> زیرا فقدان نیروی انسانی کارآمد، اگرچه ارکان دیگر به درستی طراحی و سازماندهی شده باشند، عدم کارایی و سستی سایر اجزا را به دنبال خواهد داشت. واضح است که عصر امام عسکری ع مستلزم اعتماد بر وکیلان و اهتمام بر توامندسازی نیروی انسانی است تا تشكیلات استحکام یافته، مسئولیت‌ها بیشتر شده و دایره فعالیت و حضور افراد در جامعه گسترش یابد؛ گسترشی که زمینه‌ساز انتقال پیروان اهل‌بیت به دوران غیبت گردد.

۱. عبداللهی و نباده، *توامندسازی کارکنان کلید طلازی مدیریت منابع انسانی*، ص ۵۶.

۲. قطب الدین راوندی، *الخرائج و الجرائح*، ج ۱، ص ۴۳۹ و ۴۳۷.

۳. جعفرزاده، «الگوی انتقالی در ارزیابی اثر بخش آموزش کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۶۸، ص ۴۴.

فرضیه مقاله آن است که امام عسکری علیه السلام برای بلوغ فکری و نجات شیعیان از تلاطم فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه و ترسیم خط امت، راهبرد توامندسازی جامعه امامیه را موردنوجه قرار داد که پیامد آن ارائه الگویی در راستای توامندسازی جامعه شیعه در عصر غیبت و تداوم جریان تمدن‌ساز شیعی بود. مؤلفه‌های به کار گرفته شده از سوی آن حضرت متغیر مستقل و مقوله توامندسازی متغیر وابسته است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی می‌باشد. تأکید بر مبحث توامندسازی از آن روست که این نظریه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مهمی در باروری فرهنگی و تمدن‌سازی دارد. نظریه توامندسازی زمینه‌ساز ساخت تمدن خواهد شد و تمدن‌سازی در جامعه دینی به معنای ابتدای تمدن بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین در هدایتگری تمدن بشری همراه با عقلاًنیت و اسباب و لوازم آن است.

### پیشینه تحقیق

مقالاتی درباره حیات امام عسکری علیه السلام نوشته شده که به طور مشخص مسائل مربوط به جامعه امامیه دوران آن حضرت در آن قابل رهگیری است. جی. الیاش<sup>۱</sup> نویسنده مقاله امام حسن بن علی عسکری در معرفی امام عسکری علیه السلام، به بررسی نام و القاب، تاریخ تولد، کنترل حضرت در سامرا، بیماری، وفات و اختلاف شیعه بر سر مسئله امامت پس از ایشان اشاره کرده است. هر چند تعصبات ضد شیعی در نگاشته وی محسوس نیست؛ اما این مدخل اطلاعات اندک و ناقصی درباره شخصیت فردی و اجتماعی امام عسکری علیه السلام ارائه کرده است. چنان‌که تبیین دوره حساس امامت آن حضرت، چگونگی رهبری جامعه امامیه، آموزه‌ها و نقش امام در واکنش به جریان‌ها و تحولات اجتماعی و فکری - فرهنگی، مغفول مانده است. مقاله سیره امام حسن عسکری علیه السلام در مبارزه با فرقه‌سازی‌ها و تفرقه‌ها از خلیل منصوری فاقد استناده‌ی مناسب و فقط در چهار صفحه تنظیم شده است. دونالدسون<sup>۲</sup> نویسنده مدخل نه صفحه‌ای درباره امام عسکری علیه السلام، به شرح مختصری از آن حضرت و اختلاف نظرها درباره تاریخ ولادت امام اشاره کرده است. وی ضمن اشاره به برخی از القاب آن حضرت، علم آن حضرت به قرآن، شریعت و زبان‌های مختلف را اکتسابی قلمداد می‌کند. از دیگر موارد مورد توجه نویسنده در این مدخل، ماجرای ازدواج امام عسکری با نرجس خاتون، کنیز رومی می‌باشد که ضمن نقل ماجرا، آن را تخيیلی و برای افزایش شرافت امام دوازدهم تلقی کرده است. وی با استناد به منابع شیعی، به مسومومیت آن حضرت توسط معتمد عباسی نیز اشاره کرده است؛ ولی اشاره‌ای به تعاملات آن حضرت با جامعه امامیه ننموده است. مقاله مواضع و اقدامات سیاسی امام عسکری علیه السلام در برآبر خلافت عباسی از احمد رضا بهنیافر، علی‌رغم

1. J.Eliash.

2. M.Donaldson.

اینکه در زمینه اقدامات آن حضرت در مواجهه با خلفا نوشتہ‌ای درخور توجه می‌باشد، اما فاقد توجه به موضوع نوشتار حاضر است. راهبردهای امنیتی امام حسن عسکری<sup>۱</sup> از اصغر افتخاری و علی اکبری؛ نویسنده‌گان در این اثر تلاش خوبی به منظور استفاده از مصادر و پوشش محتوای مقاله به این طریق نموده است؛ با این وجود همان‌گونه که از عنوان پیداست، فاقد توجه کامل به موضوعی است که نوشتار حاضر در پی تبیین آن است.

مقالات ذکر شده و نمونه‌های متعدد مشابه آن، به عنوان پیشینه‌ای در موضوع توانمندسازی، ضمن اینکه فاقد رویکرد در تلفیق میان مباحث تاریخی و مدیریتی در مبحث توانمندسازی هستند؛ به این مسئله بی‌توجهند که ایجاد مهارت توانمندسازی جامعه امامیه به عنوان یکی از اهداف مدیریتی امام عسکری<sup>۲</sup> بوده است. درواقع موضوع نوشتار حاضر فاقد سابقه پژوهشی در میان مقالات نوشتۀ شده است؛ زیرا تاکنون پژوهشی نگاشته نشده که توانمندسازی را به عنوان یکی از اهداف فرهنگی اجتماعی امام عسکری<sup>۳</sup> در نظر گیرد و در پیوند میان مباحث مدیریتی و گزاره‌های تاریخی به منظور تبیین این امر تلاش کند.

### ادبیات تحقیق

توانمندسازی<sup>۱</sup>: برغم اینکه در ادبیات مدیریت، واژه توانمندسازی بسیار وسیع به کار رفته است، ولی معنای شفافی از آن در دست نبوده و محققان، تعریف مشترکی از آن ارائه نکرده‌اند.<sup>۲</sup> از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، توانمندسازی به معنی قدرت بخشیدن است؛ به این معنی که به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشدند و نیز بر احساس ناتوانی و درمانگی خود چیره شوند و در افراد شوق کار و فعالیت ایجاد کنیم.<sup>۳</sup> تواناسازی دادن قدرت به افراد نیست بلکه آزاد کردن قدرت در افراد است.<sup>۴</sup>

### فرایند توانمندسازی

توانمندسازی نیروی انسانی، یک فرایند است که در آن آرمان‌ها، اهداف، مرزهای تصمیم‌گیری و نتایج تأثیرات و تلاش‌های آنان در کل سازمان به اشتراک گذاشته می‌شود. توانمندسازی یک فرایند شدن است و باید به عنوان بخشی از فرهنگ سازمانی بهشمار آید. فرایند توانمندسازی مستلزم سه پیشناز

1. Empowerment.

2. Gerbic, *Qualitative data analysis: An Introduction*, P. 115.

۳. دیوید ای. تن و کیم. اس، کمرون، تواناسازی و تقویض اختیار، ص ۱۵.

۴. جعفری قوشچی، راه‌های تواناسازی کارکنان، ص ۳۷۰.

اصلی ویژگی‌های حرفه‌ای، محیط کاری و سبک رهبری می‌باشد. این پیش‌نیازها، بستر لازم برای موفقیت برنامه‌های توامندسازی را فراهم می‌آورند.

**الف) ویژگی‌های حرفه‌ای: این ویژگی‌ها به شرح زیر است:**

۱. آموزش: آموزش بدین‌جهت ضروریست که افراد را قادر می‌سازد به نوعی دانش دست یافته تا به عنوان عضوی از یک تیم در تغییر سیستم، فعالانه ایفای نقش نمایند. این نوع آموزش شامل فنون رهبری، مهارت‌های حل مشکل، ارتباطات و آماده‌سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش‌های تیمی می‌باشد.

۲. ارشاد: اشاره به راهنمایی‌هایی دارد که افراد با تجربه به افراد کم‌تجربه انتقال می‌دهند تا موجبات آرامش و رشد آنان را فراهم نمایند و سودمندترین رفتارهای افراد با تجربه، رفتارهایی هستند که توان بالقوه افراد را شناسایی، به الگوسازی نقش‌ها و ارتقاء مسئولیت‌پذیری و فرصت‌ها کمک و بر اطمینان آنان بیفزاید.

۳. شبکه‌سازی: شبکه‌ها تجلی ارتباطات درون سازمانی تلقی می‌گردند نه سلسله مراتب درون سازمانی. شبکه‌های واقعی شبکه‌هایی‌اند که در محیط واقعی سازمان و نه در نمودار سازمانی شکل می‌گیرند. بنابراین شبکه‌ها پیامد ناخواسته اما مفید سازمان‌های رسمی‌اند. آنها می‌توانند باعث تبادل سریع اطلاعات و بازخورد در بین افراد شده و بر عزت نفس آنها بیفزاید.<sup>۱</sup>

ب) ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر کاری: ساختار فرهنگی اجتماعی بر توامندسازی افراد مؤثر است. در یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر، برقراری اجماع، سبک‌های دموکراتیک، ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در نهاد، مورد ترغیب و تشویق قرار می‌گیرد و بر روی مسائلی چون تیمسازی و جریان آزاد و تبادل اطلاعات تأکید می‌شود.<sup>۲</sup>

ج) سبک رهبری: سبک رهبری کارآمد جزء لاینک ایجاد محیط پرورش نیروی انسانی کارکنان توامند است. مدیران مستبد به دلیل نگرش سنتی قدرت، هرگز قادر به توامندسازی زیردستان نخواهند بود. می‌توان گفت فردی که مسئول بهبود عملکرد و مهارت‌های فردی اعضای گروه است، فراهم کننده محیطی برای بهبود عملکرد تیمی (گروهی) است که یک مهارت اساسی به منظور ایجاد توامندی محسوب می‌گردد.<sup>۳</sup>

فرایند توامندسازی نیز در سه مرحله مطرح است:

۱. محمدی، توامندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها، ص ۱۷۸ – ۱۷۶.

۲. فرهنگی و اسکندری، معرفی توامندسازی در مدیریت والگوهای آن، ص ۱۲۰.

۳. اسکات و ژافه، توامندسازی کارکنان، ص ۱۰۱.

۱. ارائه اطلاعات: قرارگرفتن اطلاعات لازم در اختیار نیروی انسانی منجر به اعتماد به نفس و آگاهی آنان از وضعیت فعلی سازمان شده و موجب تحکیم فرهنگ اعتماد و همدلی می‌شود.

۲. استقلال: باید در چارچوب مشخص باشد تا از ائتلاف انژی بیهوده جلوگیری کند.<sup>۱</sup>  
 ۳. تأکید بر ساختار سلسله مراتب سازمانی؛ برای ایجاد مسئولیت در نیروی انسانی و جلوگیری از دسترسی جاسوسان به ساختار سازمان و نابودی آن.

### امام عسکری<sup>۲</sup> و توامندسازی جامعه امامیه

دوران امامت امام عسکری<sup>۳</sup> (۲۶۰ - ۲۵۴ ق) از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ عصر امامت از جنبه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. بروز بحران‌های فکری عقیدتی و وقوع شورش‌های مختلف علیه خلافت عباسی مانند شورش علی بن محمد مشهور به صاحب الزنج (م ۲۷۰ ق)،<sup>۴</sup> تسلط ترکان بر امور سیاسی و نظامی خلافت و عدم اقتدار سیاسی خلفا، فساد اداری و اجتماعی، خرد و فروش مقامات، عدم توجه به وضعیت رفاه مردم، ستمگری و زورگویی در گردآوری خراج، سرکوب اعتراض‌ها، آزار و شکنجه مخالفان دستگاه خلافت،<sup>۵</sup> شیوع شبیهات در جامعه و ایجاد انحراف عقیدتی در میان امت توسط صاحبان‌اندیش،<sup>۶</sup> واگرایی و تجزیه سرزمین‌های تحت سلطه خلافت به وسیله امارت‌های استکفا و استیلا<sup>۷</sup>، حمایت خلافت در ترویج و تثبیت مذاهب فقهی اهل سنت،<sup>۸</sup> فعالیت برخی گروه‌های شیعی غالی در جهت تمایلات منفعت‌طلبانه،<sup>۹</sup> جریان نهضت ترجمه و ورود آثار یونانی،<sup>۱۰</sup> حضور و فعالیت جریان‌های دینی غیراسلامی مانند مزدکیان و مانویان و مسیحیان در جهان اسلام<sup>۱۱</sup> از ویژگی‌هایی این دوره تاریخی بود. سختگیری بر امام و شیعیان آن حضرت، پراکندن شایعات واهی و بهانه قرار دادن آن در برخورد با جریان شیعه و ایجاد مانع در روابط آن حضرت با شیعیان، نمونه‌هایی از تلاش خلافت در تضعیف و نابودی جریان امامیه است.<sup>۱۲</sup> این شرایط، وجود ملاحظات شدید امنیتی و تکرر جریان‌های فکری و

۱. نادری و دیگران، *مفاهیم و راهبردهای توامندسازی کارکنان*، ش ۱۸۶، ص ۱۳ - ۱۲.

۲. مسعودی، *موج الذهب*، ج ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۹؛ یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۵۰۸ - ۵۰۵.

۳. همان، ص ۵۱۰ - ۵۰۵؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۹، ص ۴۳۸، ۴۳۹ و ۴۶۰ - ۴۵۶.

۴. ابن شهرآشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۲۴.

۵. ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۱۲۶ و ۴۳۸؛ اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، ص ۵۲۸.

۶. عر گرجی، *تاریخ فقه و فقها*، ص ۹۷.

۷. ابن شهرآشوب، *مناقب آل ابیطالب*، ج ۴، ص ۴۲۸؛ کشی، *رجال الکشی*، ص ۵۷۳ و ۵۷۴.

۸. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۴۴۴ و ۵۴۱؛ الفاخوری، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ص ۳۷۸.

۹. اربی، *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۴۲۹.

۱۰. اصفهانی، *مقاتل الطالبین*، ص ۵۳۲ - ۲۵۲.

فرهنگی اقتضا می کرد امام عسکری علیه السلام برای حفظ و انتظام جامعه امامیه و برای رسیدن به آرمان های مطلوب خویش اقدامات لازم را ساماندهی نماید. براساس مدل فوق، پیش نیازها و فرایند توانمندسازی جامعه امامیه در سیره امام عسکری علیه السلام به شرح زیر است:

#### الف) پیش نیازهای توانمندسازی جامعه امامیه

۱. آموزش و ارشاد (اقتدار بخشی به شیعیان با تقویت منابع قدرت نرم اندیشه ای) آموزش، افراد را قادر می سازد به نوعی دانش و شناخت کلی دست یافته تا به عنوان عضوی از یک تیم، فعالانه ایفای نقش نمایند. آموزش، آمده سازی نیروی انسانی برای ایفای نقش های تیمی است. از مسائل بنیادی مكتب تشیع تئوری امامت الهی است. ائمه علیهم السلام در تقویت این بعد تفکر شیعه، ناگزیر به تبیین امامت الهی در برابر مدعیان دروغین غالی، گروه های منحرف و حاکمان بودند؛ چراکه آموزش و تبیین صحیح این مسئله به تبیین جایگاه و موقعیت اجتماعی امامت الهی منجر شده و اقتدار جامعه امامیه را در پی داشت. امام عسکری علیه السلام برخلاف دوران سخت مراقبت و حبس، در خصوص حجت، امامت و ولایت تأکید داشت و در نامه ها خطاب به شیعیان آن را بازگو می نمود. آن حضرت در تبیین امامت الهی در توقیعی به شیعیانش نوشت: «امامت امری است پیوسته که تا امور الهی جریان دارد پایر جاست»؛ «... ما را در کتاب خدا حقی است و با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندی است و خدا ما را پاک شمرده و هیچ کس غیر از ما نمی تواند ادعای چنین مقامی را کند مگر اینکه دروغگو باشد»<sup>۱</sup>. ایشان با نگارش نامه به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (م قرن <sup>۳</sup>)<sup>۲</sup> در صدد اثبات این امر برای شیعیان امامیه برآمد. آن حضرت با این مقدمه که هر کس از این دنیا کور بیرون رود، در آخرت هم کور و گمراحت است، مقصود خود را از این نایینایی، کوری دل هایی دانست که درون سینه هاست و با استناد به آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره طه، نایینایی حقیقی را به فراموشی سپردن نشانه های خدا عنوان کرد و نشانه بزرگ خداوند بر آفریدگانش را حجت خدا معرفی نمود.<sup>۳</sup> حضرت با هدف توانمندسازی این بعد فکری امامیه، با ارشاد و آموزش در این نامه، ائمه علیهم السلام را همسنگ واجبات دین<sup>۴</sup> و تنها راه شناخت واجبات معرفی کرد که مردم بدون وجود ایشان همچون چهارپایان سرگردانند و در اثبات سخن خود به آیاتی از قرآن استناد نمود. از دیگر اقدامات امام در این حوزه، تربیت دانشمندان و استعدادهای علمی بود که در تفهیم مقام امامت نقش مهمی داشتند.

۱. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۱.

۲. از اصحاب مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام. (طوسی،  *رجال الطوسي*، ص ۳۹۷)

۳. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۳ – ۸۸۵.

۴. همان، ص ۸۸۵.

از جمله می‌توان به عبدالله بن جعفر حمیری (م حدود ۳۰۰ تا ۳۰۵ ق) مؤلف کتاب *الإمامۃ*<sup>۱</sup> و فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) صاحب آثاری چون *الاربع مسائل فی الإمامۃ*، *الإمامۃ کبیر*، *فضل امیر المؤمنین علیہ السلام*، *الخصال فی الإمامۃ*<sup>۲</sup> اشاره نمود. اهتمام حضرت به این مقوله از آن روست که تقویت این بعد تفکر شیعی و دسترسی نیروی انسانی به آموزش‌های مورد نیاز باعث احساس تعلق، بهبود عملکرد و احساس مسئولیت آنان شده و توانمندی آنان را در پی دارد.

از دیگر امور مهم بر عهده امام عسکری علیہ السلام در آموزش و تقویت تفکر شیعیه، تبیین مسئله غیبت و آماده‌سازی جامعه امامیه برای پذیرفتن اندیشه مهدویت بود؛ مطلع ساختن افراد از اهدافی که باید به دست آید و اهمیتی که این اهداف برای کل سازمان دارند، منجر به الگوی عملیاتی آن حضرت برای دوران غیبت بود که برنامه‌ریزی برای عادت دادن شیعیان در زمان غیبت پیشوای خود و ارتباط داشتن با آنان از طریق وکلا و نایبان را شامل می‌شد. امام با شناخت ویژگی‌های زمانه و بهره‌مندی از دانش و منش کافی در این زمینه به مدیریت فرهنگی پرداخت. مدیریت حضرت در سه محور مهم پی‌ریزی شد: بسترسازی برای میلاد حضرت حجت علیہ السلام، حفظ و حراست از آن وجود مبارک و آماده‌سازی افکار شیعیان برای غیبت طولانی. امام عسکری علیہ السلام با آگاهسازی شیعیان از ویژگی‌های عصر غیبت، سعی در ایجاد آمادگی روحی و فکری آنان برای ورود به این دوران داشت. آن حضرت منکران امامت فرزند خود را هم‌سنگ منکران نبوت رسول الله علیہ السلام برشمرد و تأکید کرد که اطاعت آخر ما مانند اطاعت اول ما لازم است.<sup>۳</sup> آموزش در مورد ماهیت غیبت و ارشاد در مواجهه با این رویداد موجبات آرامش و رشد جامعه امامیه را فراهم کرده و ضمن ارتقاء مسئولیت‌پذیری، بر اطمینان آنان نسبت به آینده مکتب می‌افزود.

## ۲. شبکه‌سازی

واژه توانمندسازی هم می‌تواند برای توصیف جنبه‌های فردی و هم برای جنبه‌های سازمانی مفید واقع شود.<sup>۴</sup> توانمندسازی سازمانی به توانمندسازی ساختاری سازمان اشاره داشته و از طریق شیوه‌ها، سیاست‌ها، رویه‌ها، نظام‌ها و فرهنگ در سازمان جاری می‌شود تا اینکه افراد و گروه‌های کاری را برای انجام موفقیت‌آمیز و اجرای نقش‌های خود، قادر سازد. توانمندسازی سازمانی دارای سه بعد توانمندسازی درون‌سازمانی، توانمندسازی بین‌سازمانی و توانمندسازی فراسازمانی است. توانمندسازی درون‌سازمانی

۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. ابن‌بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۴۰۹.

4. Honald, *A review of literature of employee empowerment*, P 202.

اشاره به ویژگی‌های دارد که ساختار و وظایف داخلی سازمان را نشان می‌دهند.<sup>۱</sup> در مقاله حاضر توانمندسازی درون‌سازمانی جامعه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سازمان وکالت تجلی ارتباطات درون‌سازمانی تلقی می‌گردد که در زمانه امام عسکری علیه السلام مانند ائمه پیشین در ظاهر در امر احکام فقهی و پرداخت خمس فعالیت داشتند اما درواقع بسیاری از فعالیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی و رسانه جامعه امامیه را انجام می‌دادند. گستره این سازمان تقریباً تمام قلمرو خلافت اسلامی را در بر می‌گرفت;<sup>۲</sup> در عصر آن حضرت تشیع در مناطق متعددی از افریقیه تا شرق خراسان گسترش یافته بود.<sup>۳</sup> امام عسکری علیه السلام در شهرها و مناطق اصلی آن عصر مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آوه، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان، بصره و مصر دارای وکیل جزء بود؛ آن حضرت وکلای ارشد را برای نواحی گوناگون منصوب کرد تا بر فعالیت سایر وکلا نظارت داشته باشدند. از وکلای ارشد امام می‌توان به عثمان بن سعید (م قبل از ۲۶۷ق)، احمدبن اسحاق قمی اشعری (م ۲۶۰ – ۲۶۳ق) و ابراهیم بن مهزیار (م ۲۶۵ق) اشاره نمود.<sup>۴</sup> وکلا وظایف خود را زیر نظر وکیل الوکلاء یا باب امام و یا سفیر خاص انجام می‌دادند. وکیل الوکلاء از سوی امام منصوب می‌شد و ریاست نهاد وکالت را تحت نظر امام بر عهده داشت.<sup>۵</sup> شبکه سری سازمان وکالت با تبادل سریع اطلاعات در جامعه امامیه، هدایت و رهبری شیعیان و اداره امور آنان در محدوده ماموریت وکیل، تعلیم آموزه‌های دینی و فرهنگ اهل‌بیت، تصحیح اعتقادات شیعیان و جلوگیری از انحراف آنان، پاسخ‌گویی به اشکالات شیعیان و تعمیق نقش امام در جامعه امامیه، تبیین حقایقت امام جدید و مسئله غیبت برای شیعیان، رسیدگی به امور اوقاف ائمه و شیعیان، جمع‌آوری خمس، صدقات، نذورات و هدایای شیعیان و ارسال برای وکیل الوکلاء و کمک به شیعیان محروم و فقیر در منطقه مأموریت وکیل، موجبات توانمندی جامعه امامیه را فراهم می‌نمود.

باتوجه به حساسیت دوران امام عسکری علیه السلام و نزدیکی عصر غیبت، آن حضرت در تشکیلات، وظایف و مسئولیت‌های این سازمان تجدیدنظر نمود و به آماده‌سازی برخی وکلا برای دوره غیبت همت گماشت. آن حضرت به عنوان رهبری شبکه وکالت و با اشراف اطلاعاتی، درصد صیانت‌بخشی و امنیت فکری شیعه برآمد. مسلمان وکالت در زمان منتهی به غیبت امام عصر علیه السلام، اهمیت بیشتری می‌یابد و باعث می‌شود با غیبت امام، این شبهه ایجاد نشود که مذهب در حال از هم پاشیدگی است.

1. Peterson and Zimmerman, *Beyond the individual: Toward a nomological network of organizational empowerment*.

۲. جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، فصل دوم، ج ۱، ص ۷۰ – ۶۱.

۳. طبسی، *حیات الامام العسکری*، ص ۲۲۳.

۴. کشی، *رجال التکمیل*، ص ۵۸۱ – ۵۸۰؛ طبسی، *حیات الامام العسکری*، ص ۲۳۲ – ۲۳۳.

۵. جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، فصل دوم، ج ۱، ص ۷۰ – ۶۱.

### ۳. تأکید بر ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر

امام عسکری ع تحقیق جامعه توامند را نیازمند وجود یک ساختار فرهنگی اجتماعی حمایتگر می‌دانست؛ لذا به عنوان رأس این ساختار حمایتگر برای رفع نیاز پیروان خود همت می‌گماشت؛ چنان‌که حمایت مالی از جامعه امامیه، بهویژه یاران خاص و نزدیک، در برنامه آن حضرت مشهود است. آن حضرت گاه قبل از آنکه شیعیان مشکل خود را ابراز کنند، مشکل آنان را برطرف می‌نمود. ابوهاشم جعفری (م ۲۶۱ ق)<sup>۱</sup> در گزارشی از درخواست کمک مالی و حمایت پانصدیناری آن حضرت می‌گوید و در نهایت به این کلام امام اشاره می‌کند که فرمود: این را بگیر و اگر کم است عذر ما را بپذیر؛<sup>۲</sup> و در جایی دیگر به این فرمایش امام اشاره می‌کند که فرمود هر وقت احتیاج داشتی خجالت نکش، پروا مکن و از ما بخواه.<sup>۳</sup> این اقدام امام مانع از آن می‌شد که یاران به سبب تنگنای مالی جذب حکومت شوند. بدین‌سان حمایت‌های آن حضرت، شیعیان را در گرایش مذهبی سیاسی خود تثبیت می‌نمود و مانع جذب و مراجعته آنان به حاکمان و زمامداران عباسی می‌گردید. ضمن اینکه این عمل امام، دندان طمع حاکمان را در جذب یاران و شیعیان، از اساس بر می‌کند. بنا بر گزارشی دیگر، امام عسکری ع به گروهی از سادات اهل مدینه که اعتقاد به ائمه دوازده‌گانه داشتند مستمری دائمی پرداخت می‌کرد.<sup>۴</sup> همچنین آن حضرت دستور داد صدقه و زکات شیعیان تنها در میان شیعیان توزیع گردد.<sup>۵</sup>

از آنجا که در یک ساختار اجتماعی و فرهنگی پویا، اطلاعات کافی و منابع لازم جهت انجام موقفيت آمیز کارها باید فراهم گردد،<sup>۶</sup> امام عسکری ع در صدد حمایت و توجیه سیاسی، نظرات فکری و عقیدتی خواص شیعه و افزایش آگاهی آنان در برابر فشارها بود تا از عهده مسئولیت و وظایف دینی خود برآیند.<sup>۷</sup> حمایت فکری و عقیدتی شیعیان، آنان را در مواجهه با شباهات بیمه می‌کرد. یکی از اصحاب حضرت به نام محمدبن ربیع سویدسائی<sup>۸</sup> از دیدار با شخصی معتقد به ثنویت و مناظره با او خبر داد. وی اذعان می‌کند که بعد از مناظره بخش‌هایی از سخنان او در دلم جای گرفته بود؛ اما در مواجهه‌ای با امام عسکری ع، آن حضرت بر وحدانیت خدا تأکید نمود و به وی فهماند که ثنویت امری باطل است و

۱. ثقه و دارای منزلت نزد ائمه ع. (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۵۶)

۲. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۸؛ کلینی، التکافی، ج ۱، ص ۵۰۷

۳. همان، ص ۳۳۰؛ همان، ص ۵۰۸

۴. همان، ص ۵۱۸

۵. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، فرهنگ جامعه سخنان امام عسکری ع، ص ۲۴۹

6. kane, *Management role in shaping organizational culture*, P 1.

۷. حرانی، تحف العقول، ص ۸۸۷ - ۸۸۳

۸. از اصحاب امام عسکری ع (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۲).

باور به آن کفر است.<sup>۱</sup> این ماجرا قاطعیت امام را در تلاش برای جلوگیری از رسوخ این عقاید در میان یاران خود نشان می‌دهد. همچنین بیانگر محدودیت ایجاد شده توسط خلفای عباسی نسبت به آن حضرت است که البته امام به رغم همه ملاحظات امنیتی در حفظ عقاید شیعیان از طریق ارسال نامه و توقيع و سفیر تلاش می‌کرد. چنان که در نامه به اسحاق بن اسماعیل، با اعلام آگاهی اهل‌بیت نسبت به گرفتاری‌های شیعیان و با برشمودن آسیب‌های احتمالی شیعیان در مواردی چون ضعف، ناتوانی، غفلت و ناصبوری، حرکت بدون تفکر را رد کرد و ضمن تأکید بر ضرورت ایمان نسبت به کل قرآن، برخورد گزینشی با این کتاب را سبب رسوایی در دنیا و عذاب آخروی دانست و بر لزوم اطاعت از خدا، پیامبر و اولو الامر تأکید نمود.<sup>۲</sup> در این مرحله آن حضرت از طریق حمایت مالی، عقیدتی و فکری که بیانگر ارتباطات باز سازمانی و رسمیت کم در سازمان است، حمایت از استمرار توانمندسازی را منجر شد.

#### ۷. سبک رهبری

رهبری هنر توانمندسازی دیگران است و مدیران توانمند به خوبی می‌دانند که توانمندی و موفقیت آنها در گرو توانمندی و موفقیت گروه کاری آنهاست. چنین مدیرانی به عنوان یک هادی، تسهیل‌کننده و مربی عمل می‌کنند<sup>۳</sup> و سعی می‌کنند نیروی انسانی را از وابستگی به سمت عدم وابستگی سوق دهند. از مهم‌ترین اقدامات امام عسکری ع در این راستا، ایجاد بصیرت، دلگرمی و بالا بردن روحیه در جامعه امامیه بود. با توجه به فشار حداکثری که بر روی بزرگان شیعه قرار داشت، امام با راهنمایی و دلگرمی سعی در افزایش ظرفیت روحی آنان داشت. هدف آن حضرت گوشزد کردن مشکلاتی بود که در راه مبارزه برای ایشان به وجود می‌آید؛ لذا آنان را به پایداری، صبر و استقامت دعوت می‌کرد. در شرایطی که خلافت عباسی عده‌ای را با تطمیع و ارتعاب از ائمه دور می‌ساختند، برافروخته نگاهداشتن شراره‌های ایمان، آماده نگاهداشتن افراد برای جانفشانی در راه مکتب اسلام و تحمل کمبودها، رسالت مهم امام عسکری ع در توانمندسازی شیعیان بود. محمد بن حسن بن میمون<sup>۴</sup> با نگارش نامه‌ای، از فقر به آن حضرت شکایت کرد؛ امام عسکری ع در پاسخ مرقوم فرمود:

تھی دستی و با ما بودن بهتر از بی‌نیازی با دشمنان ماست. ما پناه آنها یی هستیم که به

۱. اربلی، *کشف الغمة*، ج ۲، ص ۴۲۵؛ مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۳، ص ۱۱۶.

۲. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۳ - ۸۸۷.

۳. محمدی، *توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها*، ص ۱۹۸.

۴. یا «محمد بن الحسن بن شمون»، از اصحاب امام عسکری ع (طوسی، *رجال الطوسی*، ص ۴۰۲).

ما پناهنده شوند و روشنائی هستیم برای کسی که بخواهد راه حقیقت را به وسیله ما تشخیص دهد و نگهدار آن کسی هستیم که به ما پناه آورد.<sup>۱</sup>

از دیگر اقدامات آن حضرت در رشد دادن زیرستان و آماده‌سازی برای غیبت، ارائه تصویری از دولت حضرت مهدی<sup>ؑ</sup> و تشویق شیعیان در تلاش برای ظهور ایشان بود؛ چنان‌که طی نامه‌ای به ابوالحسن علی بن الحسین قمی (م ۳۲۹ق)<sup>۲</sup> توصیه نمود که تا ظهور قائم آل محمد<sup>ؑ</sup> منتظر فرج باشد که دنیا را با حکومت خود درخشان خواهد ساخت و کلمه «الله» در روزگار دولت او به مرتبه عالی می‌رسد و عدالت اجتماعی در زمان حکومت او در همه‌جا سایه‌گستر خواهد شد.<sup>۳</sup> بدین‌سان امام با آینده‌نگری و با آگاه‌سازی شیعیان، ایشان را از غافلگیر شدن در برابر وضعیتی که تاکنون برایشان سابقه نداشت، رها می‌کرد و آمادگی لازم را در آنان به وجود می‌آورد. در این مرحله، نخبگان امامیه با کسب مهارت‌ها قادر بودند بدون نیاز به حضور مستقیم سرپرست در عصر غیبت، فعالیت کنند.

امام عسکری<sup>ؑ</sup> با هدف ایجاد مهارت حل مشکل در نخبگان امامیه، از تشویق نویسنده‌گان غافل نبود. آن حضرت در مورد یونس آل یقطین (م ۲۰۸ق)، نویسنده کتاب *یوم ولیه*، فرمود: خداوند در مقابل هر حرف این کتاب، نوری به او در قیامت عطا فرماید.<sup>۴</sup> همچنین نقل شده که برخی یاران، آثار خود را به امام عسکری<sup>ؑ</sup> عرضه می‌داشتند تا درباره آن نظر دهد که مورد تأیید آن حضرت قرار می‌گرفت.<sup>۵</sup> این تشویق‌ها منجر به ارتقای مسئولیت‌پذیری افراد گشته و در افزایش عزت نفس آنان مؤثر بود، چنان‌که در اثر این تشویق‌ها، شانزده تن از یاران امام دست به تألیف زند و ۱۱۸ عنوان کتاب تحریر شد.<sup>۶</sup> بدین‌سان اگر رهبر، افراد را به عنوان نیروهای بالقوه‌ای ببیند که باید به ظهور و فعلیت برسند؛ استفاده از ترغیب و تشویق نقش مهم و مثبتی در این فرایند دارد.

از دیگر جنبه‌های سبک رهبری رشد آن است که مدیران نقش یک الگو را برای فردی که می‌خواهد او را به ثمر برساند بازی کند.<sup>۷</sup> امام عسکری<sup>ؑ</sup> به عنوان رهبری جامعه امامیه علاوه بر آموزش شاگردان و تشویق یاران به تألیف، کتب و نامه‌های فراوانی برای توسعه علم و هدایت جامعه شیعی نگاشت؛ مانند

۱. کشی، *رجال النجاشی*، ص ۵۳۳.

۲. فقیه، مقه در نقل روایت و پدر عالم بزرگ شیعی، شیخ صدوق. (*نجاشی، رجال النجاشی*، ص ۲۶۱).

۳. ابن بابویه، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۴.

۴. آقابزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۵، ص ۳۰۷.

۵. ابن طاووس، *فلاح السائل*، ص ۱۸۳.

۶. حسینی، *تمدوین السنہ*، ص ۱۸۵.

کتاب **رساله المُنْقَبَة** که مشتمل بر احکام و مسائل حلال و حرام است.<sup>۱</sup> به جز اینها کتب دیگری نیز به حضرت منسوب است مانند **تفسیر القرآن**<sup>۲</sup> و **مکاتبات الرجال**.<sup>۳</sup> آن حضرت برای گسترش فرهنگ تشیع و سازندگی، نامه‌هایی به اهالی شهرها و برخی یاران خود نگاشت؛ مانند نامه به شیعیان قم و آوه؛<sup>۴</sup> نامه به علی بن حسین بن بابویه قمی<sup>۵</sup> و نامه به اسحاق بن اسماعیل.<sup>۶</sup> این نامه‌ها محتوای فقهی، کلامی، اخلاقی و سیاسی داشت و به منزله اعلامیه‌هایی بود که دست به دست می‌گشت و موجب بصیرت و خط مشی شیعیان در برابر جریان‌های مخالف می‌گردید. محتوای نامه‌های امام عسکری علیه السلام نشانه برنامه‌ریزی دقیق ایشان به عنوان رهبری الهی است. این نامه‌ها از امور جزئی تا مباحث کلامی پیچیده، تأکید بر ولایت اهلیت علیه السلام، مسئله غالیان، عزل و نصب و کلا و هشدار نسبت به منحرفان، آموزش تقیه، پاسخ به مسائل فقهی، انتظار فرج و... می‌باشد.<sup>۷</sup>

#### ب) فرایند توامندسازی جامعه امامیه

۱. ارائه اطلاعات (مهارت افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها)

اطلاعات خون حیات توامندسازی است.<sup>۸</sup> تسهیم اطلاعات به نیروی انسانی اجازه می‌دهد موقعیت‌های نهاد خود را بشناسند و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.<sup>۹</sup> از جمله چالش‌های رودرروی جامعه امامیه و از موضوعات مورد اختلاف ایشان با دیگر مسلمانان مباحث کلامی بود.<sup>۱۰</sup> از شباهات کلامی زمانه امام عسکری علیه السلام مسئله توحید (تشییه و تجسمی درباره خداوند) بود. آن حضرت در پاسخ به این نوع شباهات که در بین شیعیان نیز نفوذ کرده بود، با تلمیح به شماری از آیات قرآنی از مؤمنان خواست تا از چهارچوب قرآن درباره خداوند فراتر نرودن. حضرت با استناد به آیات سوم و چهارم سوره اخلاص و یازدهم سوره شوری، خداوند را خالق همه اجسام و غیر آن معرفی نمود.<sup>۱۱</sup> مسئله رویت خدا از دیگر شباهات کلامی

۱. ابن شهرآشوب، **مناقب آل ابیطالب**، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲. در مورد سندیت کتاب ر.ک: حسن بن علی، امام یازدهم، **مقدمة التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكري**، ص ۳ - ۱.

۳. همان.

۴. ابن شهرآشوب، **مناقب آل ابیطالب**، ج ۴، ص ۴۲۵.

۵. ابن بابویه، **الاماۃ و التبصرة**، ص ۲۰.

۶. عز حرانی، **تحف العقول**، ص ۸۸۳.

۷. ر.ک: احمدی میانجی، **مکاتیب الانمه**، ج ۶، ص ۸۸۳ - ۸۸۹؛ ابن شهرآشوب، **مناقب آل ابیطالب**، ج ۴، ص ۴۲۵.

۸. آقایار، **توامندسازی روشی نوین در محیط رقابتی**، ص ۵۶ - ۲۴.

۹. نادری و دیگران، **مفاهیم و راهبردهای توامندسازی کارکنان**، ص ۲۴.

۱۰. حسینی، **تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری**، ص ۲۹۳ - ۲۹۱.

۱۱. ابن بابویه، **التوحید**، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

اختلاف انگیز بود. امامیه معتقد است که خدا را نه در دنیا و نه در آخرت نمی‌توان با چشم سر دید، چون خدا نامحدود بوده و جسم نیست. اما برخی جریان‌های فکری معتقد به امکان رؤیت خدا در دنیا و آخرت بودند و از سویی شبهات بسیار بر این اعتقاد را پاسخ‌گو نیستند.<sup>۱</sup> امام عسکری<sup>۲</sup> در باب مسئله رؤیت خدا، طبق مبانی تشیع و بنا بر استنادات قرآنی و عقل به نفی رؤیت خدا پرداخت و حضرت حق را بزرگتر از آن دانست که دیده شود.<sup>۳</sup> آن حضرت در پاسخ به اینکه آیا رسول الله<sup>۴</sup> پروردگارش را دیده است، به القای نور عظمت خدا به قلب رسول الله<sup>۵</sup> اشاره نمود.<sup>۶</sup> امام از این طریق به تصحیح عقاید شیعه و رفع شبهات ایشان در اثر تعامل و گفتگو با سایر جریان‌ها و عقاید اقدام می‌نمود و با ارائه اطلاعات سعی در مهارت‌افزایی شیعیان داشت. مسئله خلق قرآن نیز از مباحث پُرتنش کلامی این عصر بود که بسیاری از جریان‌های فکری اسلامی به آن مشغول شدند و بعضاً معتقد به عدم خلق قرآن بودند.<sup>۷</sup> امام عسکری<sup>۸</sup> با قاطعیت و صراحة در باب مسئله خلق قرآن خداوند را آفریننده و غیر از او را مخلوق اعلام نمود<sup>۹</sup> و به یاران خود توصیه کرد اگر درباره مسائل مطرح در جامعه که موجب سردرگمی و ایجاد شبهه می‌شود، نمی‌توانند مسیر درست را انتخاب کنند، توقف کنند تا با انتخاب اشتباه، موجب تباہی دین و دنیای خود نشوند.<sup>۱۰</sup> در این مرحله اطلاعات و منابع نیاز برای انجام وظایف فراهم می‌گردد و اجازه می‌دهد تا آنان در صورت نیاز تغییرات رویه‌ای را انجام دهند. نیروی انسانی اگر اطلاعات کافی نداشته باشند قادر به تصمیم‌گیری صحیح نیستند و توانایی مواجهه با حوادث و چالش‌ها را نخواهند داشت. لذا آن حضرت با تقویت این ویژگی از طریق ارائه اطلاعات و ایجاد بصیرت، به مهارت افزایی جامعه امامیه عمق بخشید.

امام عسکری<sup>۱۱</sup> برای مهار خفغان سیاسی، روش تقيه را به عنوان اصلی راهبردی در پیش گرفت؛ و با بهره‌گیری از این روش و با درایت توانست امت اسلام به ویژه شیعیان را حفظ کند و بر قدرت و شمار آنان بیفزاید. از آنجا که امام بر پایه اصل تقيه، از اعلام صریح موضع خود ابا داشت، نمی‌توان تحلیل دقیقی از موضع‌گیری‌های ایشان ارائه نمود؛ اما مبنای آن حضرت چنین بود که از هر اقدامی که وحدت را به خطر می‌انداخت اجتناب کرده و بر همگرایی امت تأکید داشت. عدم تأیید و بهره‌برداری سیاسی از

۱. ابن حنبل، متن *أصول السنّة*، ص ۴ و ۵؛ نجمی، *سیری در صحیحین*، ص ۱۶۸.

۲. کلینی، *الكافی*، ج ۱، ص ۹۵.

۳. ابن بابویه، *التوحید*، ص ۱۰۸.

۴. الخمیس، *اعتقاد أهل السنّة* *شرح أصحاب حدیث*، ج ۱، ص ۶۶.

۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۴۳۶.

۶. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۲ و ۸۹۳.

شورش‌ها<sup>۱</sup>، قیام‌ها<sup>۲</sup> و تهدیدات خارجی<sup>۳</sup> حتی اگر موجب تضعیف خلافت عباسی گردد، از آنجا که در پوشش مذهب، برخلاف مبانی اسلام، سطحی و زودگذر بود و رهآوردهای جز تفرقه نداشت، مورد تأیید امام قرار نگرفت؛ در مورد مشکل خشکسالی و ضرورت پاسخ‌گویی به شیوه ایجاد شده توسط مسیحیان در حل این بحران، هر چند این درخواست از سوی خلیفه صورت گرفت<sup>۴</sup> ولی از آن جایی که منافع مسلمانان حفظ می‌شد، امام کوتاهی نوزدید. البته حضرت هیچ‌گاه با خلفا همکاری نداشت، بلکه در موقعیت‌هایی که به دست می‌آورد در برابر آنان موضع می‌گرفت و کج روی‌های آنان را محکوم می‌کرد. آن حضرت با معرفی ائمه علیهم السلام به عنوان کسانی که شایستگی جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را دارند<sup>۵</sup>، مشروعیت حکومت عباسی را زیر سوال برد؛ اما وقتی صحبت از وحدت و امنیت امت، تهدید اسلام و مسلمانان در میان بود، موضع ایشان به صورت صیانت از امنیت و حفظ وحدت ظهور می‌یافت. امام عسکری علیه السلام همواره برای حفظ جان خود و شیعیان، خود را ملزم به رعایت اصل تقيیه می‌دانست و در توصیه اکید یاران را به این مهم امر می‌کرد. تقيیه در ابعاد مختلف فقهی، کلامی و اجتماعی نمود می‌یافت. با توجه به مدت کوتاه امامت امام عسکری علیه السلام و اختناق زمانه، از ۲۳۳ روایت ایشان تنها ۷۵ روایت فقهی به دست رسیده است.<sup>۶</sup> در میان روایات، به مواردی که دلالت بر تقيیه فقهی آن حضرت نماید، برخورد نکردیم و شاید، علت این باشد که با توجه به اختناق زمانه تنها کسانی از امام سوالات فقهی می‌کردند که از شیعیان شناخته شده و خاص بودند و تقيیه از آنان در این هنگام وجهی نداشت.<sup>۷</sup> در بُعد تقيیه کلامی، اقدامات حضرت عبارت بود از فرمان به سکوت، کمان معرفی حجت خدا به صورت علی، آموزش مسائل کلامی به یاران و حکم به مخفی نگه داشتن آن از مخالفان.<sup>۸</sup> چنان‌که وقتی عده‌ای از شیعیان برای دیدار آن حضرت در مسیر رفت و آمد هفتگی به دربار خلیفه منتظر بودند، نامه‌ای هشدارآمیز از ایشان دریافت کردند که

۱. شورش خوارج به رهبری مساور بن عبدالحمید شاری (م ۲۶۱ ق) در حوالی موصل (ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۱۷۴)؛ شورش صاحب الزنج (مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۱۰۸) و شورش استقلال طلبانه عیسی بن شیخ (م ۲۵۶ ق) در شام (ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۲۳۸).

۲. قیام‌های علویان مانند قیام علی بن زید بن حسین (م ۲۵۷ ق) در کوفه، قیام احمد بن محمد بن عبدالله (م ۲۵۵ ق) و ابراهیم بن محمد بن یحیی معروف به ابن صوفی در مصر (م ۲۵۹ ق) (همان، ص ۵۳، ۱۲۶، ۲۳۸ و ۲۶۳؛ اصفهانی، *مقابل الطالبین*، ص ۵۲۸ و ۵۳۶).

۳. جنگ‌های میان قوای اسلام و روم شرقی. (ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۲۰۵ و ۳۳۶).

۴. قطب الدین راوندی، *الخرائج و الجوابات*، ج ۱، ص ۴۴۱.

۵. کلینی، *الكافی*، ج ۷، ص ۱۸۵؛ حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۹۱.

۶. طبسی، *حیات الامام العسکری*، ص ۱۹۵ – ۱۷۹.

۷. صفری، *نقش تقيیه در استنباط*، ص ۱۲۹.

۸. حرانی، *تحف العقول*، ص ۸۸۳ – ۸۸۷.

هیچ کس بر من سلام یا اشاره نکند؛ در غیر این صورت جانتان به خطر می‌افتد.<sup>۱</sup> آن حضرت تأکید نمود: یا تقیه و پنهانکاری یا قتل؛ پس تقیه کنید و جان‌های خود را نگه دارید.<sup>۲</sup> از جمله تدابیر آن حضرت در حفظ شیعیان و توانمندسازی آنان با بهره‌گیری از اصل تقیه، گسترش و تداوم شبکه ارتباطی قوی با شیعیان در قالب سازمان وکالت بود. به طور کلی آن حضرت برای حفاظت وجود مبارک صاحب الزمان ع از گزند دشمنی عوامل خلافت، پرورش علماء و اسلام شناسان، آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت به عنوان حادثه‌ای نامانوس و نهایتاً کمک‌های مالی به شیعیان مجبور به تقیه بود؛ زیرا مطلع شدن دستگاه عباسی از این امور، خطرات فراوانی را متوجه امام و شیعیان می‌کرد. امام با ارائه اطلاعات در ابعاد مختلف در تلاش بود تا با مهارت‌افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدها، جامعه امامیه را توانمند سازد.

## ۲. استقلال (تقویت احساس خودکارآمدی در شیعیان)

امام عسکری ع با مدیریت منابع انسانی از طریق شبکه وکالت در صدد بود به جامعه شیعی القاء کند که نیازهای علمی و فقهی خود را از طریق علماء و فقهاء برطرف کند. امام عسکری ع گاه پاسخ به سوالات فقهی را به صورت کامل بیان نمی‌کرد و به بیان قاعده‌ای کلی اکتفا می‌نمود تا فقهاء بتوانند با کمک این قواعد به پاسخ برسند. آن حضرت با تشویق به تفکر و تدبیر در آیات، سنت، اجماع و عقل، یاران را برای افتاء و رجوع مردم آماده می‌ساخت تا مقدمات اجتهاد فقیهان در عصر غیبت را فراهم کند.<sup>۳</sup> این کار سبب ارتقای منابع انسانی و تقویت احساس خودکارآمدی در شبکه وکالت می‌شد. ایشان در صدد بود شیعیان مسائل فقهی خویش را بدون حضور امام و با رجوع به فقهاء فراگیرند تا با آمادگی بیشتر وارد عصر غیبت شوند. اجتهاد، تقیید و ارجاع مردم به فقهاء، از جلوه‌های امامت است و امام در باور پذیری و توانمندی شیعیه در آن تلاش بسیار نمود. برخی از شاگردان نیز در علم کلام توانمند و صاحب نظریه بودند و آثاری در رد عقاید فرق کلامی نگاشتند. نهضت ردیه نویسی علیه مخالفان چنان شکوهمند بود که ردیه‌های کلامی بسیاری در حوزه‌های مختلف نوشته شد. این متخصصان با نقل فتاوی، احکام، روایات و مفاهیم اسلامی از امام عسکری ع، مکتب اهل‌بیت ع را با زبان و منطق به مردم می‌شناساندند. اینان همان راویان، وکلا و نمایندگان حضرت بودند. از جمله می‌توان به احمد بن اسحاق قمی اشعری،<sup>۴</sup> سعد بن عبدالله

۱. قطب الدین راوندی، *الخرائج والجرائح*، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. همان، ص ۴۴۷.

۳. طوسی، *الغیبه*، ص ۳۵۵.

۴. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۹۱.

اشعری قمی (م حدود ۲۶۵ ق)،<sup>۱</sup> فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق)<sup>۲</sup> محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)<sup>۳</sup> و عثمان بن سعید عمروی<sup>۴</sup> اشاره کرد. نگارش آثاری مانند کتاب *الرد على المرجحه*، *الرد على الحشویه*، کتاب *الرد على الاسکافی*، کتاب *الرد على اهل التعطیل*، *الرد على الشنويه*، *الرد على الفالیه المحمدیه*، *الرد على الفلاسفه*، *الرد على المعنایه* (مانوی)، *الرد على القرامطه*، *الرد على البائسه*، کتاب *الرد على الاصم*،<sup>۵</sup> *الایضاح*،<sup>۶</sup> کتاب *الضیاء فی الرد على المحمدیه و الجعفریه*، کتاب *الرد على المجبرة*؛<sup>۷</sup> *الرد على الغلات*؛<sup>۸</sup> کتاب *الرد على الفالیه و ابی الخطاب*<sup>۹</sup> نشان‌دهنده اهتمام یاران امام عسکری علیه السلام به رد منطقی سایر جریان‌های فکری فرهنگی آن عصر است. امام عسکری علیه السلام به یاران خویش اعتماد به نفس می‌داد و برخی را به حدتی مورد اعتماد و امین خواند که سخن ایشان را سخن خویش قلمداد کرد؛ چنان‌که در مورد عثمان بن سعید اولین نائب خاص حضرت مهدی علیه السلام شد، فرمود:

این ابو عمر و مورد اعتماد ما و امین است، مورد اعتماد گذشتگان و مورد اعتماد ما در زمان حیات و ممات ماست، و هر چه او بگوید از جانب ما می‌گوید...<sup>۱۰</sup>

لذا یکی از راهبردهای امام برای ختنی کردن تبلیغات خلافت عباسی و فرق دیگر، راهبرد تربیت نخبگان فقهی و کلامی، مدیریت و تقویت آنها در بلاد مختلف بود. در نتیجه قدرت تجزیه و تحلیل نیروی انسانی جامعه امامیه رشد یافت و برای پرسش‌ها و مشکلات خود پاسخ و راه حل مناسب پیدا کرد.

نام کتاب	نام نویسنده
کتاب <i>الضیاء فی الرد على المحمدیه و الجعفریه</i> ، <i>الرد على الغلات</i> ، کتاب <i>الرد على المجبرة</i> . <sup>۱۱</sup>	سعد بن عبدالله اشعری قمی

۱. همان، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. همان، ص ۳۵۴.

۴. طوسی، *رجال الطوسي*، ص ۴۰۱.

۵. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۰۷.

۶. ابوغالب زواری، رساله ابی غالب زواری، ص ۲۹۷ و ۳۴۲.

۷. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۱۷۸ و ۱۷۷.

۸. همان، ص ۳۵۴.

۹. همان، ص ۲۰.

۱۰. طوسی، *الغییه*، ص ۳۵۵.

۱۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۱۷۷.

نام کتاب	نام نویسنده
كتاب الرد على أهل التعطيل، الرد على التنبيه، الرد على الغاليه المحمدية، كتاب الرد على الاصم، الرد على الفلاسفه، الرد على المتنبيه، الرد على القرامطه، كتاب الرد على المرجنه، الايضاح. <sup>۱</sup>	فضل بن شاذان نیشابوری
الرد على الغلات. <sup>۲</sup>	محمد بن حسن صفار

۳. تأکید بر ساختار سلسله مراتب سازمانی  
یکی از ویژگی های سازمان وکالت، وجود سلسله مراتب در آن بود تا از دسترسی جاسوسان عباسی به آن و نایبودی سازمان جلوگیری شود. بدین سان، برخی شهرها و نواحی شیعه نشین دارای وکیل جزء بودند و این وکلا زیر نظر وکیل ایالات ماموریت خود را انجام می دادند و سپس وکلای ایالت که منصوب از طرف امام بودند، وظایف خود را زیر نظر وکیل الوکلاء یا باب امام و یا سفیر خاص انجام می دادند.

وکیل الوکلاء از سوی امام منصوب می شد و ریاست نهاد وکالت را تحت نظر امام بر عهده داشت. سازمان وکالت به عنوان یک گروه با ساختار سلسله مراتبی در دوره امام عسکری ع، از نظر شیوه اداره جامعه تشیع، نقش زمینه سازی ذهنی برای ورود به عصر غیبت و عدم حضور فیزیکی امام بود؛ زیرا شیوه رهبری جامعه تشیع توسط نواب عام امام عصر ع کم و بیش تداوم همان شیوه مدیریت جامعه شیعه به وسیله وکلا بود. شناخت سازوکار سازمان وکالت و ابعاد فعالیت های آن، کمک زیادی به فهم مسئله ولایت فقها و نقش ایشان در عصر غیبت کبری دارد. مدیریت عالی سازمان وکالت نسبت به حمایت و پشتیبانی از وکلا در همه مراتب آن سازمان اعتقاد قلبی داشت. تقویت و اعتباربخشی سازمان وکالت از سوی آن حضرت به نوعی زمینه ساز حاکمیت فقها و علمای امامیه بود. امام از طریق توانمندسازی سازمان وکالت و ماموریت دادن به وکلا به وسیله وکیل الوکلاء به پرورش نخبگان در جامعه شیعی می پرداخت.

نتیجه وجود این نهاد متخصص و توانمند، حفظ، گسترش و جلوگیری از انحراف جامعه امامیه، ارتقای سطح علمی و توانمندسازی شیعیان در عرصه های متنوع و در مناطق مختلف بود و از ایجاد ضعف در مکتب و تشکیلات شیعه ممانعت می کرد.

۱. همان، ص ۳۰۷.

۲. همان، ص ۳۵۴.

## نتیجه

هدف بلندمدت توانمندسازی، بهبود مستمر در عملکرد کل نهاد و هدف کوتاه مدت آن به کارگیری توانایی‌های موجود در اعضای آن است. بیشترین حجم فعالیت‌های امام عسکری علیه السلام ناظر به توانمندسازی جامعه امامیه در شرایط خاص فساد سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی برای ورود به عصر غیبت بود. توانمندسازی جامعه امامیه در عصر آن حضرت هم در عرصه فردی و هم سازمانی موردتوجه قرار داشت. اقداربخشی به شیعیان با تقویت منابع قدرت نرم اندیشه‌ای از طریق آگاهی‌بخشی در مورد نظریه امامت الهی، غیبت و تبیین مفهوم ولایت و اجتهاد، تقویت احساس خودکارآمدی در شیعیان با مدیریت منابع انسانی و حمایت سیاسی، عقیدتی و مالی و مهارت‌افزایی شیعیان در مواجهه با چالش‌ها، تهدیدها و شباهات کلامی و تاکید بر راهبرد تقویه از جمله موارد توانمندسازی جامعه امامیه در عرصه فردی و شبکه‌سازی و توانمندسازی درون سازمانی مربوط به بعد توانمندسازی جامعه امامیه در عرصه سازمانی است. در این میان سبک و نوع رهبری را می‌توان به عنوان یک عامل مهم در توانمندسازی در نظر گرفت. وظیفه رهبران سازمان فراهم ساختن تسهیلاتی جهت پیاده‌سازی روند توانمندسازی است. این استراتژی‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب تغییر نگرش و رفتار نیروی انسانی می‌شوند و زمینه را برای تربیت نیروی متخصص و توانمند مهیا می‌سازد. امام عسکری علیه السلام با آگاهی نسبت به ظرفیت بالقوه نیروی انسانی به عنوان مهم‌ترین منبعی که همواره چرخ سازمان‌ها به چرخ آن می‌چرخد، در محیطی مانند سامرا که در آن شیعیان کمی حضور داشتند، توانست این مجموعه را رهبری، برنامه‌های خود را اجرا و جامعه امامیه را برای ورود به عصر غیبت آماده کند. بر این اساس بررسی سیره آن حضرت می‌تواند راهبردهایی دقیق و علمی در حوزه توانمندسازی جامعه امامیه را در اختیار پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی قرار دهد.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن بن علی، *الذریعة الى تصنیف الشیعه*، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.
۲. آفایار، سیروس، «توانمندسازی روشی نوین در محیط رقابتی»، *مجله تدبیر*، ش ۱۳۵، ۱۳۸۲.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *الکامل*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی، *الاماۃ و التبصرة*، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن بابویه، محمدبن علی، *التوحید*، تحقیق سیدهاشم حسینی طهرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.

۶. ابن بابویه، محمدبن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.
۷. ابن بابویه، محمدبن علی، *كمال الدين و تمام النعمة*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵.
۸. ابن حمزه طوسی، محمدبن علی، *الثاقب فی المناقب*، قم، انصاریان، ۱۴۱۹.
۹. ابن حنبل، احمد، متن *أصول السنة*، بروایه عبدالوس بن مالک، المعتمد من معهد میراث نبوی، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۳۶ ق.
۱۰. ابن شهرآشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۱۳. ابوغالب زراری، احمد بن محمد، *رسالة ابی خالب زراری الی ابن ابنه فی ذکر آل اعین*، تصحیح محمد رضا حسینی، قم، مرکز البحث و التحقیقات الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۱۴. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمه*، ج ۶، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمه*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۱۶. اسکات، سینیتا و ژافه، دنیس، *تواناسازی کارکنان*، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، کرج، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۷۵.
۱۷. اصفهانی، ابوالفرج، *مقابل الطالبین*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۸. پاکتچی، احمد، در *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۰، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۹. جباری، محمدرضا، *سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه* علیهم السلام، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۲.
۲۰. جعفرزاده، رحیم، «الگوی انتقالی در ارزیابی اثر بخش آموزش کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۸۶، ۱۳۸۶.
۲۱. جعفری قوشچی، بهزاد، «راههای تواناسازی کارکنان»، *ماهنامه مدیریت تدبیر*، ش ۱۱۹، دی ۱۳۸۰.
۲۲. حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۵.
۲۳. حسن بن علی، امام یازدهم، *تفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسكري*، قم، مدرسه الامام المهدی علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. حسینی، سید عبدالله، **تعامل شیعیان امامیه با دیگر مسلمانان در سه قرن اول هجری**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴.
۲۵. حسینی، سید محمد رضا، **تدوین السنّه**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۶. الخميس، محمد بن عبد الرحمن، **اعتقاد اهل السنّه شرح اصحاب حدیث**، عربستان، وزاره الشئون الاسلامیه، ج اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. دیوید ای/تن و کیم/اس. کمرون، **توانایی و تقویض اختیار**، ترجمه دکتر بدرالدین اورعی یزدانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۸۳.
۲۸. صفری، نعمت الله، **نقش تقیه در استنباط**، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الطبری (تاریخ الامم والملوک)**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط الثانیه، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۳۱. طبی، محمد جواد، **حیاة الامام العسکری**، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، **الغيبة**، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المقدسه، ۱۳۷۳.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، **فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول**، تصحیح عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰.
۳۵. عبدالهی، بیژن و نوباوه، عبدالرحمیم، **توامندسازی کارکنان کلید طلاibi مدیریت منابع انسانی**، تهران، ویرایش، ۱۳۸۵.
۳۶. الفاخوری، حنا؛ الجرجی، خلیل، **تاریخ فلسفه در جهان اسلامی**، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳۷. فرهنگی، علی اکبر و اسکندری، مجتبی، «معرفی توامندسازی در مدیریت و الگوهای آن»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، ش ۳۹ و ۴۰، ۹۹ - ۱۲۱، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
۳۸. قطب الدین راوندی، سعید، **الخرائج و الجرائم**، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، **رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)**، تصحیح مهدی رجایی، قم، مؤسسه اهل البيت، ۱۳۶۳.

۴۰. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. کلینی، محمدبن یعقوب، *اصول الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. گرجی، ابوالقاسم، *تاریخ فقه و فقها*، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
۴۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم، *فرهنگ جامعه سخنان امام حسن عسکری*، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹.
۴۴. مامقانی، عبدالله، *تفصیح المقال فی علم الرجال*، نجف، المطبعة المرتضویة، بی تا.
۴۵. محمدی، محمد، «توانمندسازی کارکنان: رویکردها و فرایندها»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۲۰۴-۱۷۵، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱.
۴۶. مسعودی، علی بن الحسین، *مروج الذهب*، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مفید، محمد، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. نادری، ناهید؛ رجایی پور و سعید؛ جمشیدیان، عبدالرسول، «مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان»، *ماهنشامه مدیریت تدبیر*، ش ۱۸۶، ۱۳۸۶.
۴۹. نجاشی، احمدبن علی، *رجال النجاشی*، قم، النشر الاسلامی، ۱۳۶۵.
۵۰. نجمی، محمدصادق، *سیری در صحیحین*، خوی، بی نا، ۱۳۶۱.
۵۱. ولوی، علی محمد، *تاریخ علم کلام و مذاہب اسلامی*، تهران، بعثت، ۱۳۶۷.
۵۲. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.
53. Kane, Christine, 2006, *Management role in shaping organizational culture*, from: <http://www.blackwell-synergy.com/doi/abs/10.1111/j.1365-2934.2006.00596.x>
54. Gerbic, c, *Qualitative data analysis: An Introduction*, London: Sage Publications, 2007.
55. Peterson, N. A. and Zimmerman, M.A, "Beyond the individual: Toward a nomological network of organizational empowerment", *American Journal of Community Psychology*, 2004, Vol. 34(1/2), P. 129-145.
56. Honald Linda, "Areview of literature of employee empowerment", *Empowerment in Organization*, 1997, Vol. 5, No. 4.
57. Block, P, *The Empowered Manager: Positive Polotical Skills at Work*, San Francisco: Jossey-Bass, 1987.